

## گفت‌و‌گو با دبیران هنر خراسان رضوی



# زمرمه‌های اهل هنر

## اشاره

حضور در بین دبیران هنر نقاط مختلف کشور درس‌آموز، ایده‌آفرین و امیدبخش است و آموزش هنری را لذت‌بخش می‌کند. شنیدن دیدگاه‌ها و تجارب معلمان هنر و دشواری‌های آموزش هنر از زبان کسانی که به‌طور مستقیم موضوع را درک می‌کنند، دل‌چسب‌تر است. همگی به کار تدریس هنر و مشکلات و دشواری‌های آن واقفیم، اما نکته‌ای که از جمع‌بندی گپ‌و‌گفت‌های صمیمانه دریافت می‌شود این است که برای تدریس هنر پیچیدن نسخه‌ای واحد کارایی و کاربرد ندارد. گویی دبیر هنر خود هنرمند هنرپیشه‌ای است که فرایند تدریس را متناسب با موقعیت اقتضائی، سیال، روان و فعال می‌کند. او در صحنه آموزش نقش اول است

که می‌خواهد «تلاش و لذت» را با هم قرین کند. نکته جالب این است که در هر کلاسی از این سرزمین غرورآفرین راوی داستان هنر روایت خود را با شیدایی و شیوایی ویژه خویش به پرده تدریس درمی‌آورد و این تنوع و تفاوت، دلکشی و زیبایی هنر را دوچندان می‌کند. حدیث دیدار با دبیران هنر خراسان رضوی دربردارنده چنین تصاویر دل‌نشینی است. تصاویری که در آن گره خوردن روح لطیف و پراحساس دبیر هنر با زوایای ناشناخته ذهن دانش‌آموز نمود دیگری می‌یابد. افزون بر این موارد خواندنی، می‌توان شگردها، روش‌ها و تکنیک‌های معلمان را در فرایند تدریس هنر بازخوانی کرد و از آن‌ها نکات تازه و زنده‌ای را برداشت نمود. با هم این گفت‌و‌گویی صمیمانه را مرور می‌کنیم.



دبیران محترم هنر در استان خراسان رضوی، شهر مشهد، هستیم. در ابتدای سخن از تلاش‌های دوست ارجمند آقای ربانی، سرگروه هنر خراسان، تشکر می‌کنم. امیدوارم در خلال این هم‌اندیشی صمیمانه بتوانیم دورنمایی را که برای درس هنر در ذهن یکایک شما هست، ترسیم کنیم. هدف این است که دیگران را در این تجارب و دیدگاه‌ها سهیم و شریک کنیم و برای این کار تربیونی با عنوان مجله رشد آموزش هنر در اختیار داریم که یک رسانه کمک آموزشی است. در سه سال گذشته (۹۶-۹۳) هم اطلاع دارید کتاب‌های درسی دچار تغییر هویت جدی شدند و طبیعی است، کسی که کتاب را به شکل عملیاتی در کلاس اجرا می‌کند، جز دبیر محترم هنر نیست. دبیری که در کف کلاس با چالش‌های این درس روبه‌روست و بهتر از هر کسی می‌تواند تجربه به‌جان‌زیسته خود را در فرایند تدریس نقد کند. این نکته می‌تواند بعد اجتماعی پیدا کند و هم دبیران هنر در دیار خراسان از آن استفاده کنند و هم در چهار گوشه کشور، همکاران ما بتوانند از نکاتی که در ذهن شما می‌گذرد و با آن چالش داشته و برای آن راهکار معرفی کرده‌اید، استفاده کنند. بر این اساس، سعی کردیم در چارچوب کلی در استان‌های مختلف خدمت همکاران هنر برسیم و این مباحث را با هم مطرح کنیم. تا جایی که حافظه من یاری می‌کند، به سیستان و بلوچستان، یزد، آذربایجان غربی، بوشهر، همدان و قزوین رفته‌ایم و نکات بسیار خوبی به دست آورده‌ایم که آرام آرام در مجله از آن‌ها استفاده شده و بازخورد خوبی داشته است. بهتر از بنده می‌دانید هر اقلیم فرهنگی مختصات خود را دارد. مثلاً هنرمندی بسیار برجسته در عرصه خط و نقاشی خط به نام مرحوم رضا مافی داشتیم که مولود و برآمده محیط فرهنگی مشهد بود. او در گفت‌وگوها و مصاحبه‌های خود می‌گوید یکی از دل‌مشغولی‌های من مشق نظری و

برخورد مستقیم با کتیبه‌های آستان قدس و حرم رضوی بود. این‌ها به شکل تمایه‌هایی در ذهن افراد رسوخ می‌کند و این می‌شود که هنرمندانی مانند رضا مافی پرورش می‌یابند.

در اینجا به‌طور مشخص محور کلام را به شما می‌سپاریم. عرض من این است که شما با سه کتاب هفتم، هشتم و نهم درگیر هستید. از مدرسان هنرستان هم حضور دارند که در آنجا هنر را در قالب رشته‌های گرافیک و نقاشی داریم. عرض بنده این است که چالش‌هایی که در کتاب‌های درسی جدید داریم چیست؟ نقاط مثبت کتاب‌ها کدام است؟ برای درس گره چینی و ریتم چه ابتکارهایی به خرج داده‌اید؟ معلم محبوب هنر چه مؤلفه‌هایی را باید داشته باشد؟ این‌ها نکاتی قابل طرح است. اینکه شما بر بال داشته‌های سرزمین مشهد آموزش هنر را چطور برای دانش‌آموزان تسهیل می‌کنید؟

از گفتن دیدگاه‌ها و تجربه‌ها و خاطرات هنری دریغ نفرمایید. تأثیر آن‌ها را دیده‌ام و معتقدم که همکاران ما چون تجربه کرده‌اند؛ از همدیگر بهتر یاد می‌گیرند. با این فرض بسیار ساده می‌خواهیم در خدمت شما باشیم. آقای ربانی، لطفاً در آغاز از وضعیت هنر استان گزارشی بدهید.

✳️ **سید علی اصغر ربانی** سرگروه فرهنگ و هنر استان خراسان رضوی هستیم. خیلی خوشحالم که افتخار داریم مسئولان یکی از تأثیرگذارترین مجلات آموزشی کشور را در جمع خود می‌بینیم. در گروه آموزشی استان به‌طور متوسط از ۴۷ منطقه‌ای که در استان خراسان رضوی داریم، معمولاً در خدمت حدود ۲۵ سرگروه هستیم. برخی از سرگروه‌ها با ۶ ساعت در هفته و برخی هم با مقدار بسیار کمتر و حتی برخی از عزیزان به ما لطف می‌کنند و به‌صورت افتخاری فعالیت‌های هنر را انجام می‌دهند. من معتقدم حداقل دو برابر چیزی که در ابلاغ هست، در منزل زحمت کارهای گروه آموزشی را می‌کشند و این بر کسی پوشیده نیست. همچنین، در جمع ما دبیران بزرگواری هستند که به انتخاب سرگروه‌های



ربانی: در برنامه‌امسال تأکید بیشتر بر کارگاه‌های آموزشی بود که توانمندسازی دبیر را در اولویت قرار دهیم و بتوانیم همکاران غیرتخصصی را که در این رشته همکاری می‌کنند، در این زمینه غنی سازیم



**خوش صحبت:**  
**مشکل بزرگی که**  
**وجود دارد این است**  
**که آموزش و پرورش**  
**ایده‌ای را داده و**  
**آن، این است که**  
**مدیران و معاونان،**  
**چه اجرایی و چه**  
**آموزشی، سر**  
**کلاس بروند. ۶**  
**ساعت تدریس**  
**داشته باشند.**  
**متأسفانه این‌ها**  
**خود کلاس‌های هنر**  
**را گرفته‌اند. این**  
**بزرگ‌ترین ضربه را**  
**به دانش آموز می‌زند**

نواحی و مناطقی که در خدمت آن‌ها هستیم، در زمینه آموزش هنر جزء بهترین‌ها هستند. فعالیت گروه فرهنگ و هنر معمولاً هر سال با رویکردهایی مرتبط با دبیرخانه و رویکردهای داخلی استانی برنامه‌ریزی می‌شود. در برنامه امسال تأکید بیشتر بر کارگاه‌های آموزشی بود که توانمندسازی دبیر را در اولویت قرار دهیم و بتوانیم همکاران غیر تخصصی را که در این رشته همکاری می‌کنند، در این زمینه غنی‌سازی کنیم. در کارگاه‌ها سعی شده است از استادانی استفاده شود که حرفشان برای آموزش به درد بخورد. از استادانی که برای برگزاری کارگاه دعوت می‌شدند می‌خواستیم محتوایی که آموزش می‌دهند متناسب با رویکرد کتاب و سن مخاطبان آن، یعنی دانش‌آموزان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم باشد. از نظر آماری سال گذشته کارگاه‌های داخلی و استانی ما نزدیک به ۳۵ کارگاه شد و امسال این را به ۴۰ کارگاه رساندیم. البته هیچ‌گاه کیفیت را فدای تعداد نمی‌کنیم. امسال هم خوشبختانه با افزایش تعداد کارگاه‌ها مخصوصاً کارگاه‌های داخلی، مواجه بودیم. تمام بار زحمت این کارگاه‌ها به دوش سرگروه‌ها بوده است. کارگاه‌های ما به این شکل بود که ۸ عنوان را مدنظر داشتیم: هنرهای آوایی، هنرهای نمایشی، سوزن‌دوزی‌های سنتی ایران، عکاسی، طراحی سنتی، بنیان‌های هنری بر پایه خوشنویسی و نقد هنری که به همت دوستان برگزار شد. هر هفته کارگاه داشتیم. جالب است که همکاران علی‌رغم اینکه می‌گفتند فاصله زمانی بین کارگاه‌ها کم است ولی از آمار شرکت‌کننده‌ها می‌بینم ۴۰ درصد همکاران تخصصی و ۶۰ درصد همکاران غیر تخصصی در این کارگاه‌ها شرکت کرده‌اند.

**آمار همکاران تخصصی مشخص است؟**

**رئیس:** متأسفانه به‌طور دقیق نمی‌توانم بگویم اما حداقل این را می‌توانم بگویم که برخی از نواحی و مناطق ما نزدیک به ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ ساعت نیاز به دبیر تخصصی هنر دارند و از آنجاکه این زمان الان پر شده، مطمئناً با دبیران غیر تخصصی پر شده است.

**با توجه به جمعیت دانش‌آموزی خراسان رضوی، به‌عنوان مثال در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم که مرکز و کانون اصلی**

**آموزش هنر است، ساعات تدریس برای این تعداد دانش‌آموز چه میزان است؟**

**رئیس:** چیزی که من می‌بینم ۳۰ درصد ساعات تدریس را دبیران تخصصی و ۷۰ درصد ساعات را دبیران غیر تخصصی اداره می‌کنند. از میان دبیران غیر تخصصی ۲۰ درصد آن‌ها متخصص‌اند؛ یعنی مثلاً مدرک خوشنویسی دارند یا سال‌ها در زمینه هنر تدریس کرده‌اند و هنری هستند. اکثراً می‌گویند ما چیزی بلد نیستیم و چه چیزی باید بگوییم.

**نظر خودتان به‌عنوان دبیر هنر درباره تألیف کتاب‌های جدید چیست؟**

**رئیس:** اجازه دهید این را دوستان بگویند. من کلیت قلمرو هنری را که می‌بینم رویکرد خوبی است ولی باید ببینیم به چه شکلی اجرا می‌شود و چقدر زمان می‌برد تا همکاران با این کتاب‌ها بتوانند تدریس بهتری کنند.

**چند سال سابقه دارید؟**

**رئیس:** ۲۱ سال.

**اگر نکته‌ای باقی‌مانده است بفرمایید.**

**رئیس:** سال گذشته کاری را کلید زدیم مبنی بر اینکه دبیران علاقه‌مند را که در رشته‌های دیگر هستند، ساماندهی کنیم و کارگاه‌هایی را بگذارند و روش تدریس هنر را بشناسند که از سوی دبیران غیر تخصصی آسیب کمتری به فرایند تدریس وارد شود. بسیاری از کارگاه‌های ما تا اندازه‌ای خوب بود. فرصت داشتیم روی چند استاد فکر کنیم که تدریس کنند و در نهایت به این نتیجه برسیم که این استاد چون خود معلم است و مفهوم آموزش کلاسی را می‌داند، می‌تواند محتوایی به معلم ما تحویل دهد که واقعاً لازم است.

**مریم خوش صحبت سرگروه هنر ناحیه ۴**

هستم. پیرو صحبت‌های جناب رئیسی، ما در ناحیه ۴ که ناحیه خیلی گسترده و بزرگی در سطح مشهد است، متأسفانه ۸ نیروی خانم و ۱۰ نیروی آقا داریم که تخصصی هستند. ناحیه بزرگ ما دقیقاً روی نیروهای غیر تخصصی می‌چرخد. در این مورد اقداماتی انجام داده‌ایم، برای مثال، هر ماه سعی

کرده‌ام کارگاه آموزشی برای همکاران غیر تخصصی داشته باشم. مشکل بزرگی که وجود دارد این است که آموزش و پرورش ایده‌های را داده و آن، این است که مدیران و معاونان، چه اجرایی و چه آموزشی، سر کلاس بروند. ۶ ساعت تدریس داشته باشند. متأسفانه این‌ها خود کلاس‌های هنر را گرفته‌اند. این بزرگ‌ترین ضربه را به دانش‌آموز می‌زند. خوشحالی ما این بود که کتاب‌ها عوض شده و همانند قدیم تنها پیرو نقاشی و خوشنویسی نیست و هر سرفصلی در آن‌ها قرار گرفته است. از این موضوع خوشحال بودیم اما اکنون دبیر غیر تخصصی یا مدیر و یا معاون این کتاب را می‌گیرد و برای تدریس می‌رود. متأسفانه آموزش و پرورش کاستی‌هایی دارد که نمی‌دانم از کجا منشأ می‌گیرد. یکی از آن‌ها همین است. مدیر یا معاون هیچ‌گاه سر کارگاه‌های آموزشی من نمی‌آید. ولی دبیر غیر تخصصی سعی می‌کند خود را به روز کند و در کارگاه شرکت می‌کند. مدیر و معاون وقت این کار را ندارند. این مسئله بسیار مهمی است که می‌خواهم حتماً به مسئولان انعکاس داده شود.

**در استان‌های دیگر هم این را شنیده بودیم. به نظر شما لذت‌بردن دانش‌آموزان از درس هنر باید بر اساس چه مؤلفه‌هایی باشد؟ اگر خاطره تربیتی خوبی هم دارید بفرمایید.**

**خوش صحبت** بچه‌های الان همانند بچه‌های قدیم نیستند. آن‌ها ذهن‌های پر از خلاقیت دارند. در دنیای تخیل خود می‌چرخند و دوست دارند تخیل را به واقعیت تبدیل کنند. اگر بخواهیم بر اساس سرفصل‌های کتاب پیش برویم، بچه خسته می‌شود. او دوست ندارد چیزی را کپی کنید و به او بدهید و او هم کار را انجام دهد. دوست دارد آن کار هنری از ذهن خودش تراوش کند. من کارهایی کردم که آقای ربانی هم در جریان هستند.

**گرایش هنری مورد علاقه خود را هم ذکر کنید.**

**خوش صحبت** چون رشته‌ام هنرهای تجسمی بوده است، دوست دارم بچه‌ها هنر خود را کاربردی کنند. دانش‌آموز من در پایه نهم وقتی می‌خواهد دبیرستان یا هنرستان را انتخاب کند بداند که تا اندازه‌ای توانایی دارد که می‌تواند وارد هنرستان شود.

مقوله کارآفرینی برای دبیر هنر خیلی مهم است. مثلاً من کارهایی را با توجه به سرفصل‌های کتاب به بچه‌ها آموزش دادم که برای آن‌ها درآمدزا بود. در اسفندماه از آثار بچه‌ها نمایشگاهی برپا شد و کارهای هنری که آن‌ها انجام داده بودند، خرید و فروش شد. این فروش به بزرگ‌ترها بود. مثلاً درسی به نام هندسه نقوش در کتاب داریم. ترکیب رنگ را هم باید به دانش‌آموز آموزش دهیم. من این‌ها را تلفیق کردم که روی کوزه‌های سفالی خام ترسیم و رنگ آمیزی کنند. بچه‌ها هم هندسه نقوش هم رنگ‌شناسی و هم ترکیب رنگ را آموختند و هم اثری هنری (کوزه‌ای) را به بازار ارائه کردند که در نمایندگی سفال لالچین همانند آن کوزه ۷۰ هزار تومان قیمت دارد. وقتی بچه خودش کار را انجام می‌دهد، حس خلاقیتش هم تجلی می‌یابد. مثلاً در مقوله مینیاتور که مورد علاقه بچه‌هاست، وقتی می‌خواستم آموزش دهم گفتم کار خود را روی چوب ببنادزید و با سوخت روی چوب انجام دهید. تابلوهایی درست کردند که بعدها توانستند آن‌ها را بفروشند. منظور من این است که هنر و سرفصل‌های کتاب را طوری به بچه‌ها آموزش دهیم که بتوانند در آینده از آن‌ها استفاده کنند. یعنی بدانند دست‌های توانمندی دارند و می‌توانند از راه هنر جور خود را بکشند. این کتاب این اجازه را به ما می‌دهد. این کتاب فوق‌العاده است و هم در پایه‌های هفتم، هشتم و هم در پایه نهم این اجازه را به دبیر هنر می‌دهد، ولیکن دبیر تخصصی هنر خیلی کم داریم.

**خاطره خوش آموزشی‌تان را برای ما بگویید.**

**خوش صحبت** تمام روزهای ما خاطره است. مثلاً همین امروز بچه‌ها برای اینکه روز پایانی بود و بر اساس درس هنرهای آوایی تمرین کرده بودند، برای من ریتمی را زدند و ملودی را اجرا کردند که خودم حیرت کردم. یکی با مداد و دیگری با لیوان و دیگری با پشت قابلمه ... فیلم آن هم هست. خیلی جالب بود.

خاطره دیگری که می‌توانم بیان کنم این است که روزی دانش‌آموز من نزد من آمد و گفت من قبل از عید تبلت نداشتم و موبایل هم ندارم که استفاده کنم. به عبارتی، خانواده‌اش سطح پایین بود. کار سنبلاست (طراحی روی شیشه و آینه) که آموزش



**بوستان چی می‌گویم شاخه‌های درخت را با دست و در ذهن خود طراحی کنید و رنگ‌ها را ببینید. متأسفانه زندگی ما و جامعه ما طوری شده که ما طبیعت را نمی‌بینیم و از آن لذت نمی‌بریم**



را پیدا کرد این بود که نسل امروز طبیعت را مورد توجه قرار داد و از بچه‌ها خواست که طبیعت زیبا را ببینند.

### خودتان چه کردید؟

**بوستان چی** کاری که از دانش‌آموز می‌خواهم این است که مثلاً فقط به برگ‌های درختان نگاه کنند و از رنگ‌هایش لذت ببرند و در جلسه بعد به من بگویند چه نوع رنگ‌هایی را دیده‌اند. می‌گویم شاخه‌های درخت را با دست و در ذهن خود طراحی کنید و رنگ‌ها را ببینید. متأسفانه زندگی ما و جامعه ما طوری شده که ما طبیعت را نمی‌بینیم و از آن لذت نمی‌بریم. از دانش‌آموزان می‌خواهم در زمستان، که بهترین موقع برای طراحی درخت است این کار را انجام دهند.



### برای اینکه آناتومی درخت را بشناسند؟

**بوستان چی** بله. چون در زمستان برگ درخت می‌ریزد و شاخه‌های آن کاملاً نمایان است. خود رنگ‌ها اعم از رنگ سرد و گرم را در این فصل به بچه‌ها آموزش می‌دهیم. وقتی بهار می‌شود، از بچه‌ها می‌خواهم بخش عکاسی را انجام دهند و برای تکلیف عید فقط از آن‌ها می‌خواهم که از برگ‌های کوچک و سبز برای من عکس بگیرند و بیاورند. از بچه‌ها می‌خواهم که با طبیعت ارتباط برقرار کنند و با آن حرف بزنند و برگ‌ها و رنگ‌ها را بشناسند. بعد از تعطیلات عید که بچه به کلاس می‌آید، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان او را سرکلاس نگاه داشت. شاید دبیران هنر بیشتر با این مسئله مواجه باشند. درس‌ها تمام شده و بچه خود در حال و هوای دیگری است. من معمولاً این قسمت را با تئاتر پیش می‌برم. شخصیت‌های مختلف اعم از پیرزن، پیرمرد، لوطی و غیره را کار می‌کنم. در قسمت‌های تقلید صدا سعی می‌کنم با بچه‌ها کار شود. سعی می‌کنم اولین چیزی که بچه‌ها از هنر می‌گیرند، لذت بردن باشد. از این درس لذت ببرند تا سال‌ها در ذهن آن‌ها تأثیرگذار باشد. بهترین خاطره‌ای که می‌توانم از دوران تدریس بگویم این است که دانش‌آموزانی دارم که مثلاً بعد از سال‌ها نزد من می‌آیند و می‌گویند دفتر نقاشی خود را نگه داشته‌اند. بعضی‌ها تنها چیزی که از دوران تحصیل خودشان دارند، دفتر نقاشی‌شان

دادیم، پدر این دانش‌آموز برایش آینه آورد و او کار سنبلاست انجام داد و این دانش‌آموز از طریق این کار یک لپ‌تاپ برای خود خریداری کرده بود. این امر آن قدر برای من خوشحال‌کننده بود که قابل‌وصف نیست.

**بهاره بوستان چی، دبیر هنر** خیلی خوشحالم از اینکه کتاب هنر تغییر کرد. خاطره‌ای که ما از کتاب هنر داریم، مربوط به دوران قبلی می‌شود که خودمان در حال تحصیل دبیرهای هنر هیچ‌کدام تخصصی نبودند و دبیران علوم و ریاضی برای اینکه ساعت‌هایشان پر شود سرکلاس می‌آمدند و به ما هنر درس می‌دادند و ساعتی طی می‌شد و ما هم خوشحال بودیم که در آن یک ساعت توی سروکله هم زده‌ایم. خود من چون در هنرستان تحصیل کرده‌ام و رشته گرافیک خوانده‌ام از اینکه می‌دیدم در هنرستان تلاش می‌کنیم و به ما نمره کم می‌دهند، خیلی ناراحت بودم. ساعت‌ها روی پوستر و آرم و بسته‌بندی و کارهای مختلف تمام تلاش خود را می‌کردیم اما موقع نمره دادن می‌گفتند ۲۰ مال شما نیست و مال استاد است. وقتی خودم معلم هنر شدم کاری که انجام دادم این بود که به هیچ دانش‌آموزی نمره کم ندهم؛ چون نظرم این است که هنر نمره ندارد و همه بچه‌ها ۲۰ هستند. هیچ دانش‌آموزی بدون هنر نیست و هنر در وجود هر فردی هست. خوشبختانه کتاب که تغییر کرد چیزی که ارزش واقعی خود

**بوستان چی:**  
سعی می‌کنم  
اولین چیزی که  
بچه‌ها از هنر  
می‌گیرند، لذت  
بردن باشد. از  
این درس لذت  
ببرند تا سال‌ها  
در ذهن آن‌ها  
تأثیرگذار باشد



در کلاس من است. این واقعاً برای من جالب است.

**هنر باید چه کرد؟**

**بوستان چی** باید اول معلم را خلاق و تأمین کرد.

**آیا کسی باید معلم را خلاق کند یا او خود باید در این راه قدم بردارد؟**

**بوستان چی** تا زمانی که من شاد نباشم، چطور می توانم شادی را به بچه‌ها انتقال دهم؟ تا زمانی که من درگیر مشکلات خود باشم، چطور می توانم مشکل بچه‌ها را حل کنم؟ باید روی معلم کار کرد. باید از معلم‌هایی استفاده شود که این خلاقیت را دارند و خود می توانند این خلاقیت و شادی را به بچه‌ها منتقل کنند.

**حسن کشاورز** سرگروه هنر شهرستان

تربت حیدریه هستم. در ابتدا بگویم که درباره نکات اخلاقی و تربیتی قدری دغدغه دارم. مخصوصاً اخیراً که بحث تهاجم فرهنگی را داریم و همان طور که می دانید، این تهاجم فرهنگی بیشتر جلوه‌های هنری دارد، چه در مُد و چه در ویژگی‌های نقاشی و لباس‌هایی که می آید. من سعی می کنم به اخلاقیات گذشتگان اشاره کنم؛ مخصوصاً با استفاده از آثاری که از آنان به دست ما رسیده است. نکته بعدی که دغدغه همه همکاران بود و همه فرمودند، دبیران غیر تخصصی است. ما در منطقه تربت حیدریه ۱۲ دبیر تخصصی و ۶۸ دبیر غیر تخصصی داریم که ساعت تدریس خیلی از این‌ها دو ساعت است. نکته‌ای که در خیلی از دبیران غیر تخصصی شاهد هستیم این است که حتی ساعت هنر را تک ساعت می کنند. در این دو سال توانسته‌ایم این امر را به حداقل برسانیم. در سال گذشته حدود ۲۰ کارگاه برای همکاران گذاشته‌ایم که در آن‌ها از نیروی خود همکاران استفاده کرده بودیم.

**این دو ساعت برای پر کردن برنامه است؟**

**کشاورز** بله.

**کشاورز** پس این دو ساعت تلف می شود

و بچه‌ها بهره‌ای از هنر نمی برند.

**کشاورز** خیلی از همکاران از این وضعیت

ناراحت هستند زیرا هر کسی که وارد گروه هنر شده لذت برده است. برای همین خیلی از افراد حسرت می خورند که ای کاش ما معلم هنر می بودیم. من دبیر زبان دارم که بیشتر وقت خود درس هنر گرفته است و می گوید تازه زندگی را می فهمم که باید چه جلوه‌هایی را نگاه کنیم و به چه چیزهایی برسیم.

**آیا نمی توانیم برای دبیر**

**غیر تخصصی سقفی بگذاریم و حداقل ساعت تدریس را مثلاً ۶ ساعت اعلام کنیم. از این جهت که تحرک هنری داشته باشد.**

**کشاورز** بخشنامه وزارتخانه باید باشد. من

سال گذشته تابستان را همراه آقای ربانی در اداره بوده‌ام. یک مسئله سپردن ساعات هنر به مدیران و معاونان بود. نکته دیگر این بود که اگر قرار است به همکاری ساعت هنر داده شود، ۶ ساعت کامل یا حداقل ۴ ساعت باشد. متأسفانه قبول نکردند تا ساعت اضافه کاری تولید نشود. حق التدریس نباید باشد. به همین علت به هر روشی این ساعت را تقسیم کردند. در استان‌های دیگر هم این مشکل وجود دارد. مورد بعدی که همکاران من اشاره کردند این است که با وجود زحماتی که همکاران می کشند، جایگاهی برای دیده شدن درس هنر وجود ندارد. دو سال است همکاران در بازارچه هنری کار می کنند اما به نام درس کار و فناوری شناخته می شود. چندین سال است که بر این مسئله تأکید می کنیم که بتوانیم المپیاد یا بازارچه ویژه درس هنر بگذاریم. اینکه آموزش مطالب کتاب در فرایند آموزش سخت است، خوبی‌اش این است که به رشته‌های مختلف پرداخته است؛ مخصوصاً به بخش صنایع دستی که برای درآمدزایی خیلی کاربرد دارد.

**آیا اگر بخواهید جشنواره**

**تولیدات هنری دانش آموزان را برگزار کنید، برای این کار بنیه دارید؟**

**کشاورز** بله حتماً. الآن در نقش برجسته

مس، که در کار و فناوری آمده است، بچه‌های هنر از ما کار می گیرند. طرح برای هنر است و قلم‌زنی برای هنر است. برخی از بچه‌ها می گویند آیا طرح



**کشاورز: دو سال است همکاران در بازارچه هنری کار می کنند اما به نام درس کار و فناوری شناخته می شود. چندین سال است که بر این مسئله تأکید می کنیم که بتوانیم المپیاد یا بازارچه ویژه درس هنر بگذاریم**



**اکبرزاده: من هر سال سعی می‌کنم کار بچه‌های جدید را جای کار بچه‌های قبل بگذارم تا سال بعدی‌ها ببینند کار جدید انجام شده است. این بچه‌ها را سر ذوق و شوق می‌آورد که رشد را در کارگاه می‌بینند. شرایط کارگاه باعث می‌شود پیشرفت بچه‌ها بیشتر شود**

زیباتر وجود ندارد؛ چون دبیران پرینت‌های گرافیکی می‌گیرند که هیچ آشنایی ندارند. سال گذشته من و سرگروه کار و فناوری نشستیم و طرح‌ها را آنالیز کردیم. گفتیم یا خط یا طرح‌های ایرانی بگذارید و اگر گرافیکی انتخاب می‌کنید، مربوط به سنت خودمان باشد. اگر جشنواره تولیدات هنری برگزار شود کار بزرگی خواهد بود.

**به چه روشی می‌توان درس هنر را در مدرسه برای دانش‌آموزان لذت‌بخش کرد؟ این جشنواره ایده خوبی است. در منطقه استعداد زیادی وجود دارد و این قابل طرح در دفتر متوسطه است.**

**کشاورز** مورد بعدی سایت گروه تألیفات هنر خیلی وقت است به روزرسانی نشده است. این سایت اداره کل است. الان بیشتر مراجعات ما به مجلات رشد هنر است. من خودم مجموعه‌ای از این مجلات را جمع‌آوری کرده‌ام و وقتی دبیران در زمینه‌ای دچار مشکل می‌شوند، این مجموعه را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهم. این مجلات در تدریس به کمک خیلی از دبیران آمده است. ای کاش سایت اداره کل به روزرسانی شود تا همکاران از این امر استفاده کنند. مورد بعدی وجود کارگاه هنر است. همان‌طور که همکاران فرمودند، دانش‌آموزی دارم که الان دانشگاه است ولی بازمی‌گردد و کارهایی را که در دوران دانش‌آموزی‌اش انجام داده، مطالبه می‌کند. حتی مجله را مطالبه می‌کند. حتی دانش‌آموزی دارم که کل هزینه تحصیل خود را از نقاشی‌هایش کسب کرده و الان لیسانسش را هم گرفته است. اگر درس هنر بخواهد نمود یابد، به دلیل جامعیت زیاد، توانایی این کار را دارد.

**لطفاً در یک خط بگویید معلم محبوب هنر چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟**

**کشاورز** احساس را به دانش‌آموز القا کند و بفهماند. حس لذت را بفهمد و بفهماند.

**قشنگ‌ترین خاطره شما در این چند سال چه بوده است؟**

**کشاورز** بهترین خاطره‌ام متعلق به هفته

گذشته است. یکی از دو نفر دانش‌آموزی که کار سفال انجام می‌دادند، نزد من آمد و گفت: این دوست من می‌گوید این همه کار را انجام نمی‌دهد؛ باید چه کنم؟ از این دانش‌آموز تشکر کردم و گفتم دوستش را طوری هدایت کند که این کار را انجام دهد. چون قرار بر امتحان بود، آن‌ها دو تکه گل آورده بودند. این دانش‌آموز از صبح آمد و با تک تک دبیران صحبت کرد و اجازه آن دانش‌آموز را گرفت و او را به کارگاه برد و آن قدر با دوستش کار کرد که در نهایت توانست کارش را خوب در بیاورد. این تأثیر دانش‌آموزان روی هم برای من خیلی جالب است. من خودم از این امر لذت می‌برم.

**مهناز اکبرزاده** سرگروه هنر ناحیه ۲ آموزش و پرورش مشهد هستیم. من در دوره متوسطه اول تدریس می‌کنم. از تغییر کتاب راضی هستم. هم تنوع مطالب در کتاب و هم به‌روزشدن باعث خوشحالی ماست. تنوع مطالب کتاب باعث شده است که خیلی از بچه‌ها علائق خود را پیدا کنند. کتاب قبلی این شرایط را نداشت. به‌روزشدن این باعث شده است که رشته‌هایی همانند عکاسی و گرافیک و موسیقی هم وارد شود و بچه‌ها بتوانند آن‌ها را انتخاب کنند.

**کتاب نقاط قوت خوبی دارد ولی اگر نکته‌ای وجود دارد که جای آن خالی است، ذکر کنید.**

**اکبرزاده** کتاب شرایط خوبی دارد. من ابتدا در رشته هنرهای تجسمی تحصیل می‌کردم و بعد تغییر رشته دادم و به گرافیک آمدم. بنابراین، در مباحثی توانمندتر شدم. در مباحثی همانند هنرهای آوایی احساس می‌کنم نیاز بود بیشتر کارگاه ارائه گردد و مطالب بهتر باز شود.

**در هنرهای آوایی دست همکاران ما پر است؟**

**اکبرزاده** من خودم با مدارسی درگیرم که کار کردن با دانش‌آموزانشان سخت است.

**هنرهای نمایشی چگونه است؟**

**اکبرزاده** هنرهای نمایشی خیلی خوب است. هم دست ما بازتر است و هم کتاب کمک‌آموزشی

برای آن زیاد است. هنرهای آوایی برای من خیلی سخت است. این کار در منطقه‌ای که من هستم و نزدیک حرم است، سخت‌تر است. با بچه‌های هفتم کار می‌کنم. در پایه هفتم بچه‌ها علاقه دارند اما کتاب مبحث هنرهای آوایی ندارد. با بچه‌های نهم می‌خواهم کار کنم ولی بچه‌ها از لذت کودکانه فاصله گرفته‌اند و حاضر نیستند دوباره برگردند. اگر این مبحث ریتمی داشت، بچه‌ها سعی می‌کردند باز ادامه دهند؛ درحالی‌که بچه‌های هفتم فوق‌العاده خوب کار می‌کنند. جای خالی هنرهای آوایی در کتاب هشتم دیده می‌شود. من فکر می‌کنم اگر کارگاه وجود داشته باشد خیلی خوب است. خودم دو سال در مدرسه‌ای بودم که چون تعداد دانش‌آموزانش در دو سال گذشته کم شده بود، به من کارگاه دادند. کلاسی به من دادند که مختص ساعت من بود و فوق‌العاده در رشد بچه‌ها تأثیر داشت. کلاس مال خود دانش‌آموزان است؛ در و دیوار آن با کارهای بچه‌های قبلی پر شده و این باعث می‌شود هم معلم راحت‌تر تدریس کند و هم دانش‌آموز راحت کار کند. نمونه کار دانش‌آموزان را به آن‌ها نشان می‌دهیم. در حد توان دانش‌آموزان هم هست که مباحث را از دیدگاه هم‌کلاسی و هم‌سن خود ببینند. رشد این‌ها خیلی زیاد است.

### آیا نمایشگاه دائمی دارید؟

من هر سال سعی می‌کنم کار بچه‌های جدید را جای کار بچه‌های قبل بگذارم تا سال بعدی‌ها ببینند کار جدید انجام شده است. این بچه‌ها را سر ذوق و شوق می‌آورد که رشد را در کارگاه می‌بینند. شرایط کارگاه باعث می‌شود پیشرفت بچه‌ها بیشتر شود.

### از منظر شما به‌عنوان دبیر هنر، منش بالا بیشتر اهمیت دارد یا تکنیک بالا؟

من دو مورد را توأم می‌بینم. اما فکر می‌کنم قدرت منش هنری بالاتر است. ما هم در برخورد آموزشی از دیگران یاد می‌گیریم و هم وقتی به بچه‌ها یاد می‌دهیم. در کلاسی که با ذوق و شوق و لذت می‌روید، بچه‌های بهتری تربیت می‌شوند. مطمئناً در مدرسه‌ای که با روحیه کسل وارد شوید، بچه‌ها رشد مدنظر را ندارند. خلاقیت هنری و فعال بودن در کلاس هنر خیلی تأثیرگذار

است. در کلاسی که بیشتر با بچه‌ها کار می‌کنم و میان آن‌ها می‌نشینم و پا به پایشان کار می‌کنم، بچه‌ها احساس می‌کنند می‌توانند مشکلات خود را راحت‌تر مطرح کنند. آن‌ها راحت‌تر ایراد کار خود را می‌گیرند.

### آیا همراه بچه‌ها تولید هنری

می‌کنید؟

موضوع درس بچه‌ها را خودم هم یک نمونه کار می‌کنم.

### اگر بخواهید نامه‌ای به دانش‌آموز

خود بنویسید و در آن اهمیت درس هنر را بازگو کنید، در جمله اول چه می‌نویسید؟

همیشه در کلاس‌های خودم این را می‌گویم «شاید تمام دروس می‌آیند و می‌روند و تنها درسی که در روح و ذهن دانش‌آموز باقی می‌ماند، هنر است».

### واقعاً چنین است؟

بله. من خاطره‌ای دارم که آن را همیشه سر کلاس به دانش‌آموزان خود می‌گویم. به بانک رفته بودم که پرینت حسابم را بگیرم. قبل از اینکه متن تقاضایم را بنویسم، به من گفتند بروید و شنبه هفته دیگر بیایید. متن را که نوشتم، چون خط خوب و زیبا بود، همه آن را به هم نشان می‌دادند. در نهایت، رئیس بانک به من گفت پرینت را همین الان به شما می‌دهم. به بچه‌ها می‌گویم این همان است که شما متفاوت می‌کنید. دیدگاهی است که شما را از دیگران یک قدم جلوتر می‌برد. فرقی ندارد خط باشد یا، عکاسی، نقاشی و تصویرسازی. اینکه شما چیزی را ببینید که دیگران نمی‌بینند، یعنی شما یک قدم از دیگران جلوتر هستید و این ارزشمندترین چیز است. یکی از اتفاقات خوبی که افتاده، تغییر سر فصل‌های مسابقات امور تربیتی است. اینکه در کتاب خود بخش گرافیک داریم و در مسابقات مبحث «آرم» داریم، خیلی ارزشمند است ولی بچه‌ها یا همکاران این را خوب کار نمی‌کنند، چرا که همکار هنر در این اتفاق دیده نمی‌شود. همانند جریان کار و فناوری است؛ تمام زحمت را دبیر هنر می‌کشد ولی دیده نمی‌شود، در نهایت، اگر تعداد بالا باشد به مربی پرورشی تشویقی ابلاغ می‌شود. اگر قرار است اتفاقی بیفتد باید به معلم

اکبرزاده: به بچه‌ها می‌گویم این همان است که شما را متفاوت می‌کند. دیدگاهی است که شما را از دیگران یک قدم جلوتر می‌برد. فرقی ندارد خط باشد یا، عکاسی، نقاشی و تصویرسازی. اینکه شما چیزی را ببینید که دیگران نمی‌بینند، یعنی شما یک قدم از دیگران جلوتر هستید و این ارزشمندترین چیز است



سهمی که داده می‌شود، به معلم هنر است. سال گذشته فراخوان دادند و امتحان گرفتند و برای کل خراسان فقط یک معلم هنر می‌خواستند. آن هم سهمیهٔ بجنورد بود که هیچ ربطی به مشهد ندارد.

## از تجربه‌های خود در کلاس بفرما بید.

**رحیمی** به منش معلمی خیلی اعتقاد دارم و بر آنم که معلم باید منش داشته باشد. زمانی در منطقهٔ پایین شهر مشهد کلاس داشتیم؛ کلاسی که دانش‌آموزانش فوق‌العاده کنترل‌نشده بودند. همهٔ معلمان بی‌استثنا یک نفر را اخراج کرده بودند؛ اخراج یک ماهه و دو ماهه و یک روزه. اصلاً دانش‌آموزان سابقهٔ درگیری با معلمان هم داشتند. روزی که وارد کلاس شدم، دیدم سروصدا زیاد است. احساس کردم کسی پشت سرم دارد ادا درمی‌آورد. برگشتم و دیدم واقعاً چنین است. نمایندهٔ کلاس داشت این کار را می‌کرد. با خودم گفتم دو اتفاق می‌تواند بیفتد؛ یکی اینکه مانند بقیهٔ معلم‌ها دانش‌آموز را از کلاس بیرون بیندازم. دیگر اینکه برخوردی کنم که روی او تأثیر بگذارد. به ذهنم آمد که بگویم: آقای رحیمی، این کار شما خیلی عالی است و شما در حال اجرای پانومیم هستید. گفتم و دانش‌آموز از برخورد من تعجب کرد. بعد به او گفتم شما که این کار را بلدید و بچه‌ها از این هنر شما لذت می‌برند، برای ما هم اجرا کنید. گفت چه کنم؟ گفتم تصویری را می‌گویم و شما آن را برای من اجرا کنید. تصویر را تشریح کردم و گفتم فرض کنید زنبوری وارد یقهٔ لباستان شده است و از پاچهٔ شما خارج می‌شود، این را برای ما بازی کنید. شما ۲۰ می‌دهم. به جرئت می‌توانم بگویم که این یکی از خاطره‌انگیزترین کلاس‌های کل آموزش من بوده است. تا آخر سال هم من با آن کلاس مشکلی نداشتم.

**تهرانی** سید تکتم تهرانی هستیم، ۱۸ سال سابقهٔ تدریس دارم و در منطقهٔ رضویه، یکی از مناطق محروم استان خراسان رضوی و مشهد تدریس می‌کنم. از آقای ربانی تشکر می‌کنم که امسال سنگ تمام گذاشتند و با کارگاه‌های استانی که برگزار کردند به همکاران منطقهٔ رضویه انگیزه دادند. **آخرین کارگاهی که شرکت**

هنر هم اهمیت دهند. وقتی برای داوری می‌رویم، می‌بینیم که فقط مدارسی رتبه می‌آورند که دبیر هنر تخصصی داشته‌اند و او خوب کار کرده است. اگر می‌خواهیم همهٔ همکاران انگیزهٔ کار داشته باشند، باید در جایی از آن‌ها تشکر شود. فرقی ندارد؛ وقتی از یک بچهٔ دو ساله یا فردی نود ساله به خاطر کارش تشکر می‌کنید، او رشد می‌کند. این تشویق‌ها نیاز است.

**سید فرید رحیمی** پیگیری‌های آقای ربانی و آقای افشار باعث شد در هنر استان خراسان اتفاقات خوبی بیفتد. یکی این بود که جشنوارهٔ استانی را با عنوان «جشنوارهٔ دانش‌آموزی استان خراسان رضوی» دو سال است به صورت پیگیر برگزار می‌کنند. از آقای ربانی به دلیل برگزاری کارگاه‌های خوبی که برگزار می‌کنند هم تشکر می‌کنم.

**الآن در چه ناحیه‌ای تدریس می‌کنید و چند سال سابقهٔ تدریس دارید؟**  
**رحیمی** در ناحیهٔ ۲ هستیم و ۲۱ سال سابقهٔ تدریس دارم. به قسمت خوشنویسی که رشتهٔ خودم هم هست، نقد دارم. می‌توانست این قسمت در کتاب‌های هنر بهتر باشد. خط‌ها و نوشته‌هایی که در کتاب درسی وجود دارد، سیر خاصی را دنبال نمی‌کنند. وقتی کتاب جدید آمد، کیفیت کار خیلی مهم بود. روی کیفیت کار کردیم. قبلاً تمرکز روی نمرهٔ هنر و خط و نقاشی بود. کیفیت هنری که شامل خیلی چیزها می‌شود در کتاب جدید مدنظر بود و هدف‌گیری هم همین است. من نگاه می‌کنم که دانش‌آموز کلاس نهم چه تعریفی از هنر دارد و کیفیت کار به چه نتیجه‌ای رسیده است. احساس می‌کنم برخی مطالب کتاب پیوستگی خاصی ندارند.

**یک نمونه را خانم اکبرزاده اشاره کرد که هنرهای آوایی در پایهٔ هشتم وجود ندارد.**

**رحیمی** بله. با مسئلهٔ نبودن معلم هنر در مدارس هم واقعاً درگیر هستیم. اتفاق جالبی است که در نظام کل آموزش عالی افتاده، این است که تعداد زیادی مهندس کشاورزی و مهندس کامپیوتر داریم ولی در برخی رشته‌ها هیچ‌کسی را نداریم. به‌رحال، در آموزش و پرورش متأسفانه کمترین



رحیمی: به منش معلمی خیلی اعتقاد دارم و بر آنم که معلم باید منش داشته باشد

## گردید چه بود؟

**تهرانی** هر کارگاهی که برگزار می‌شد، تأثیر خاص خود را داشت. اگر اشتباه نکنم آخرین کارگاه نقد و بررسی بود که ناحیه ۴ برگزار کرده بود. هر کدام از این کارگاه‌ها کاربرد خاصی داشت که به کتاب خودمان که باید تدریس می‌کردیم، برمی‌گشت. هضم این کار برای همکاران غیر تخصصی ما بهتر بود. مشکلی که ما در منطقه رضویه داریم، علاوه بر غیر تخصصی بودن همکارانمان که از همه جا بیشتر است، این است که دو خانم و ۴ آقای تخصصی در مدرسه هستیم و بقیه یعنی ۴۸- ۴۲ نفر غیر تخصصی هستند. از این تعداد، ۲۲ یا ۲۳ نفر مدیرند که به هیچ عنوان در کارگاه‌ها شرکت نمی‌کنند؛ چون مشغله فکری و کاری دارند. علاوه بر این‌ها چون منطقه محروم است و بعضی از بچه‌ها از روستاهای مختلف می‌آیند، حتی ابزاری که برای تدریس نیاز است، مثلاً مداد B6، وجود ندارد. حرف اول را بعد از خلاقیت دانش آموز ابزار می‌زند. قلمی که امسال گفتم بچه‌ها بگیرند، دزفولی بود که تعداد خیلی کمی آن را تهیه کردند. شاید در کل مدرسه و ۹ کلاس، ۴۰ نفر این مداد را تهیه کردند و بقیه خیزران گرفتند که کار کردن با آن دشوار است. برای بچه‌ها توضیح می‌دادم که علاوه بر کیفیت، دست‌هایشان هم برایم مهم است که می‌گویم قلم دزفولی تهیه کنند. می‌گفتم برگه‌های تبلیغاتی را جمع کنند و پشت آن بنویسند. درست است که به کیفیت گلاسه نمی‌رسد اما از برگه A4 که به سختی در آن نوشته می‌شود، بهتر است. به آن‌ها می‌گفتم خط شما خوب است اما چون ابزارتان خوب نیست، احساس می‌کنید خط خوبی ندارید. مورد بعدی این است که در سال ۱۳۹۱ من مدرک کارشناسی گرفتم و خیلی خوشحال بودم که یک کلاس همه تخصصی و بچه‌های تربیت‌معلم هستند. همان سال بچه‌ها رسمی شدند ولی متأسفانه همه جذب ابتدایی شدند. حتی یک نفر لیسانس تجسمی، فوق دیپلم گرافیک یا هنرهای تجسمی در رشته خود جذب نشد.

## اجباری بود یا داوطلبانه رفتند؟

**تهرانی** همه به اجبار رفتند.

## ما این همه خلأ دبیر تخصصی

**هنر داریم!**

## تهرانی

جالب است که همه در رشته‌های دیگر پر شدند و همه در ناحیه افتادند و غیر تخصصی هستند.

## شاید آن دبیر هم در آنجا دبیر

موفقی نشود.

## تهرانی

دقیقاً. هنرجویی که هنرهای تجسمی خوانده، روز اول کلاس اول را تدریس کرده است. خودشان تعریف می‌کردند و می‌خندیدند که ما چیزی بلد نیستیم و این بچه‌های مردم همانند عروسک در دست ما هستند. تنها کاری که می‌کردند و اصولاً مدرسه و مدیر از آن خوشش می‌آید، در و دیوار را تزیین می‌کردند.

## چند نمونه از ابتکارها و

روش‌های معلمی را که با آن‌ها فرایند هنر را برای دانش‌آموزان خود جذاب کرده‌اید بفرما بید.

## تهرانی

بیشتر بحث کارآفرینی را برای بچه‌ها بر جسته می‌کنم، چون منطقه محروم است و این انگیزه‌ای قوی برای بچه‌هاست. والدین در اینجا بیشتر چوپان یا عشایر هستند.

## منطقه رضویه در کجاست؟

## تهرانی

جاده سرخس. تا انتهای خیابان، ناحیه ۵ مشهد است و بعد از آن، جاده سرخس و میامی و تپه سلام و جیم‌آباد حالت نیم‌دایره دارد که منطقه رضویه است. بچه‌ها کار با رنگ انجام داده بودند. دور تا دور کلاس نمایشگاه دائمی است و کارهای بچه‌ها وجود دارد. بچه‌های کلاس هفتم، هشتم و نهم می‌گفتند که مثلاً این کار فروشی است و آیا می‌توانیم سفارش دهیم؟ من هم کسی که آن کار را انجام داده بود، معرفی می‌کردم و می‌گفتم سر قیمت با خودشان توافق کنید. کارهای دستی همچنین است. همکاران می‌گفتند تدریس کارآفرینی و درس‌های آن بیشتر به هنر بازمی‌گردد. مثلاً پایه کار نم‌د در هنر است. طرح‌های مربوط به درس کارآفرینی را ما به بچه‌ها می‌دادیم. این‌ها از ما طرح جاسوئیچی، دفتر و غیره می‌گرفتند و هر کاری که انجام می‌دادند را در کلاس به هم می‌فروختند و سفارش قبول می‌کردند و از پول آن ابزار تهیه



تهرانی: بیشتر  
بحث کارآفرینی  
را برای بچه‌ها  
بر جسته می‌کنم،  
چون منطقه  
محروم است و  
این انگیزه‌ای قوی  
برای بچه‌هاست



**افشاری: در واقع، مشکل اصلی درس هنر و مقوله هنر در آموزش و پرورش همین ناآشنایی معلمان و مسئولان در آموزش و پرورش با جایگاه هنر است و باید این را برطرف کرد**

می کردند. باید نگاهی ویژه به مناطق محروم شود تا برای تهیه ابزار، از لحاظ مالی، حداقل حمایتی شوند. من به مدیر پیشنهاد دادم که یک فروشگاه دائم فرهنگ و هنر در مدرسه دایر کنیم. خیلی استقبال کردند ولی متأسفانه سرمایه نداشتند.

### ✳️ **احد رضا افشاری** کارشناس مسئول

فرهنگی هنری در حوزه معاونت پرورشی هستیم. به دلیل بحث‌های اداری و تعدد در کارشناسی‌ها سردرگمی‌هایی وجود دارد که بنده توضیح می‌دهم. در اینجا بیشتر درباره مشکلات تدریس درس فرهنگ و هنر در دوره متوسطه یک صحبت شد. اجازه دهید فراتر از این امر، با عنوان جایگاه هنر در آموزش و پرورش صحبت کنم. وضعیت هنر در آموزش و پرورش بد نیست. ضوابط و مقرراتی که در آموزش و پرورش وجود دارد اگر به‌درستی اجرا شود، جایگاه خوبی برای بحث هنر در آموزش و پرورش وجود دارد. این بیشتر به عملکرد ما برمی‌گردد که به‌عنوان مسئول، مدیر مدرسه، معلم و رئیس آموزش و پرورش به شکلی عمل کنیم که عملکردمان موجودیت و وضعیت درس هنر را تحت تأثیر مثبت قرار دهد. همه می‌دانیم که در سند تحول آموزش و پرورش، ساحت‌هایی برای تعلیم و تربیت تعریف شده است. اگر اشتباه نکنم ۶ ساحت تعلیم و تربیت داریم که یکی بحث علمی و فناوری است و مابقی به گونه‌ها و رشته‌هایی اختصاص دارد که متأسفانه در آموزش و پرورش به آن پرداخته نمی‌شود. یکی همین ساحت هنر و زیبایی‌شناسی است. در مدارس بیشتر به دنبال آموزش هستیم و دیدگاه هم درسی و آموزشی است؛ به جای اینکه در حوزه‌های دیگر کار شود. از دوره متوسطه اول و دوم به سمت کنکور پیش می‌رویم. همه چیز در حاشیه قرار می‌گیرد و کنکور اصل می‌شود. اگر در مدارس نه تنها هنر بلکه همه رشته‌ها به‌درستی کار شود، سند تحول هم به‌درستی جایگاه خود را در آموزش و پرورش کسب می‌کند. در واقع، مشکل اصلی درس هنر و مقوله هنر در آموزش و پرورش همین ناآشنایی معلمان و مسئولان در آموزش و پرورش با جایگاه هنر است و باید این را برطرف کرد. قانون و مقررات همه چیز را به‌درستی برای ما مشخص کرده است. در صحبت همکاران این مشکل همیشگی بی‌ارتباطی سازمان‌ها

و ارگان‌ها و بخش‌های مختلف آموزش و پرورش را دیدم. بحث آموزش هنر در حوزه اختیارات معاونت متوسطه قرار دارد. در صورتی که خیلی از فعالیت‌های خارج از آموزش در حوزه معاونت پرورشی تعریف می‌شود. کارشناسی فرهنگی - هنری و اداره فرهنگی - هنری که کار آن پرداختن به امور فرهنگی و هنری است، به لحاظ اداری فاصله زیادی با معاونت آموزشی دارد و هیچ‌گاه سعی نشده است این رابطه نزدیک و صمیمی باشد تا مشکلاتی که دوستان گفتند، حل شود. ما در معاونت پرورشی کار خود را انجام می‌دهیم و دوستان سر کلاس درس کار خود را انجام می‌دهند؛ در حالی که کار همه ما برای تحقق یک هدف واحد است. تا زمانی که هر کس راه خود را برود، به مقصود نخواهیم رسید. در بخشنامه‌ای که برای مسابقات فرهنگی - هنری به ادارات صادر می‌کنیم، گفتیم مدیر کارگروهی در مدرسه تشکیل دهد که یک نفر از اعضای آن حتماً دبیر هنر باشد. اگر مدیر به این بخشنامه عمل کند و کارگروه را تشکیل دهد، قطعاً ما موفق‌تر خواهیم شد. دو سال پیش با آقای ربانی به صورت مشترک کاری انجام دادیم و آن هم در حوزه نمایشنامه‌نویسی بود. در مسابقات بخشی به نام نمایشنامه‌نویسی نداریم. با رویکرد کتاب پایه هفتم بخش نمایشنامه‌نویسی را برگزار کردیم. در سال اول استقبال کم بود ولی امیدواریم این در سال‌های بعد استقبال بیشتری شود. هر چه با گروه‌های آموزشی ارتباط بیشتری داشته باشیم، هم دانش آموز و هم معلم نفع خواهد برد.

### ✳️ **چگونه در این فرایند تلاش**

**دبیران هنر دیده می‌شود؟**

✳️ **افشاری** برخی از همکاران داور مسابقات ما چه در مرحله اداره و چه در مرحله استان هستند. در خراسان سال گذشته برای اولین بار در کشور مسابقات معلمان هنرمند را برگزار کردیم. امسال هم فراخوان را آماده و نواقص سال گذشته را برطرف می‌کنیم. رشته‌هایی را اضافه کرده‌ایم. امیدواریم این کار به‌مرور در خراسان ادامه یابد. این خواسته و توقع معلمان است و کسی نمی‌تواند این را حذف کند. قطعاً باید به سمتی برویم که بقیه استان‌ها هم برگزار کنند. سال گذشته ۳۰۰ همکار شرکت کردند و حدود ۱۰۰ نفر تخصصی هنر بودند. سایرین دبیر دیگر رشته‌ها بودند؛ مثلاً دبیر فیزیک که عکاس

فوق‌العاده‌ای است. دنبال این رشته رفته و مدرک عکاسی دارد و کتاب چاپ کرده است. این‌ها باعث شد این افراد کشف شوند و از آن‌ها استفاده شود. جشنوارهٔ امسال با قوت بیشتری برگزار می‌شود و به فرایند جافتادن خود بحث هنر در آموزش و پرورش کمک خواهد کرد.

**✳️ حامد نیرومند** دبیر هنر شهرستان قوچان هستم. ساختار و چارچوب مورد نظر من در زمینهٔ آسیب‌شناسی هنر در آموزش و پرورش است. در این زمینه چهار بخش کلی آسیب داریم: آسیب‌های نرم‌افزاری، سخت‌افزاری، نیروی انسانی، و خود دانش‌آموزان. در بخش نرم‌افزار کتاب فرهنگ و هنر را داریم که بعد از سال‌ها دچار تغییر شده و کم‌وکاستی‌هایی دارد اما متأسفانه دفتر تألیف قدری دیوارهایش بلند است و نمی‌خواهد نظرات همکاران را در سراسر کشور بپذیرد. هیچ‌گاه فراخوانی برای نظرسنجی از همکاران نداده است. بخش نرم‌افزاری، کتاب و تعداد کمی سی‌دی است که به ادارات ارسال شده و کتاب کار معلم و مجلهٔ رشد آموزش هنر. همهٔ این‌ها از نظر تعداد محدود است و به دست بیشتر دبیران ما نمی‌رسد. آماري که از مجلهٔ آموزش هنر در شهرستان خودمان گرفته‌ام، نشان می‌دهد که فقط ۵ جلد وارد این شهرستان می‌شود؛ شهرستانی که جمعیت دانش‌آموزی نسبتاً زیاد و حدود ۴ هزار معلم دارد. ۵ جلد برای این جمعیت خیلی کم است. این ۵ جلد هم وارد انبار می‌شود. سی‌دی‌های مربوط به درس خودمان در انبار گوشه‌ای ریخته شده بود و روی آن‌ها نیز بار ریخته بودند. سیستم آموزش و پرورش دچار مشکلاتی است که این‌ها به دست همکاران نمی‌رسد. این بخش نرم‌افزاری ماست که مشکلاتی دارد. بخش سخت‌افزاری هم مشکلات زیادی دارد؛ از جمله کارگاه هنر که همکاران اشاره کردند. این میزها برای درس کارگاهی طراحی نشده است. این‌ها برای دانش‌آموزانی که مشکلات ستون فقرات دارند، مشکل‌زا هستند و اگر بخواهید روی آن‌ها خوشنویسی هم تدریس کنید، خودتان نتیجه را می‌دانید. آموزش خوشنویسی در کلاس ۴۰ نفره سخت است. ویدئو پروژکتورها به تعداد خیلی محدودی در مدارس وجود دارد. اگر هم باشد یک مورد در نمازخانه است. دبیر به خاطر اینکه ده دقیقه فیلم نشان دهد، باید نظم کلاس ۴۰ نفره را

به هم بزند. البته من مدارس خاص را جدا می‌کنم. بیشتر مدارس ما در فقر وسایل کمک‌آموزشی به سر می‌برند. ما از لحاظ سخت‌افزاری مشکلاتی داریم. شاید از نظر تخته و مسائل دیگر هم مشکلاتی وجود داشته باشد. بخش سوم این آسیب‌ها به نیروی انسانی برمی‌گردد. حدود ۳ میلیون دانش‌آموز در دورهٔ متوسطهٔ اول تحصیل می‌کنند. نصف این سه میلیون تا زمانی که این دوره را تمام می‌کنند، فکر نکنم دبیر تخصصی ببینند. شاید معلم پایهٔ هفتم آن‌ها هنر تخصصی باشد.

### ✳️ نگاه شما متمرکز بر قوچان است؟

**✳️ نیرومند** من به‌واسطهٔ عکاسی در شهرهای مختلف می‌چرخم و از مدارس اردبیل و تبریز و اهواز و آبادان و غیره بازدید کرده‌ام. مثلاً سرگروه هنر دزفول از دوستان من هستند. صحبت‌هایی خودمانی هم در تلگرام با این دوستان داشته‌ام. تقریباً در کل کشور همین است. البته مدارس خاص را باید مستثنی دانست. بحث نیروی انسانی به جایی می‌رسد که ما کارگاه‌ها و دوره‌های ضمن خدمت برگزار می‌کنیم که باز هم همکاران غیر تخصصی در آن‌ها شرکت نمی‌کنند. اگر هم شرکت کنند، آیا با ۲۰ جلسه کارگاه می‌توان از یک دبیر دینی و عربی یا دبیر ریاضی معلم هنر ساخت؟ همین معلمان هنری که داریم و دانش‌آموختگان تربیت‌معلم هستند، کتاب قبلی برایشان ملاک بوده است. در صورتی که تربیت‌معلم ما وسایل موسیقی داشت که همه را معدوم کردند. هیچ‌گاه یک دبیر ذوالفنون نمی‌شود که موسیقی بلد، تئاتر بلد، خوشنویسی بلد و ... باشد. این یکی از تناقض‌های کتاب است. معلم در نهایت می‌تواند اجتماعی را آموزش دهد چون خیلی از مباحث علوم انسانی است و می‌تواند بر کتاب تسلط پیدا کند. به این کتاب فرهنگ و هنر هیچ دبیری نمی‌تواند تسلط پیدا کند.

### ✳️ یعنی ما باید الان هنرمند معلم داشته باشیم یا معلم هنرمند؟

**✳️ نیرومند** دومی مسلم است. معلم هنرمند باید داشته باشیم. چون بحث آموزش متفاوت است.

### ✳️ این‌ها با هم جمع نمی‌شوند



**نیرومند: آماري که از مجلهٔ آموزش هنر در شهرستان خودمان گرفته‌ام، نشان می‌دهد که فقط ۵ جلد وارد این شهرستان می‌شود؛ شهرستانی که جمعیت دانش‌آموزی نسبتاً زیاد و حدود ۴ هزار معلم دارد. ۵ جلد برای این جمعیت خیلی کم است**



نیرومند: دوره ابتدایی و متوسطه اول در کشور ما آموزش عمومی هستند. در آنجا خیلی هم دنبال تخصص نیستیم. رویکرد نیز تربیت هنری است. تا ۱۵ سالگی چیزی که در تدریس هنر آمده تربیت هنری است؛ یعنی دانش آموزان را آشنا کنید

که من هم بر تجسمی و هم آوایی و هم خوشنویسی و نمایشی و غیره تسلط داشته باشم. چکار باید کرد؟

**نیرومند** منوط به این است که بر اساس بخش‌های کتاب ساعت تدریس هنر هم افزایش یابد و دبیران تخصصی مختلفی بیایند.

**نیرومند** ظرفیت خوبی داریم. زمانی دبیران می‌گفتند در یک ساعت چه کنیم. درسی همانند ریتم که یک درس تخصصی است، در ۲۰ دقیقه تدریس می‌شود. ۵ گروه از ۵ گوشه کشور در ۲۰ دقیقه این کار را کردند. داستان از اینجا شروع می‌شود که درس یکی است و تکرار هزارتا.

**نیرومند** برای وقت باید برنامه‌ریزی کرد.

**نیرومند** این چند کتاب در یک کتاب است.

**نیرومند** اشکالی که وجود دارد این است که آموزش عمومی را با آموزش تخصصی اشتباه گرفته‌ایم. دوره ابتدایی و متوسطه اول در کشور ما آموزش عمومی هستند. در آنجا خیلی هم دنبال تخصص نیستیم. رویکرد نیز تربیت هنری است. تا ۱۵ سالگی چیزی که در تدریس هنر آمده تربیت هنری است؛ یعنی دانش‌آموزان را آشنا کنید.

**نیرومند** در برنامه‌ای از من پرسیدند که در چند ماه می‌شود خوشنویس تربیت کرد. گفتم دنبال این نیستیم که خوشنویس حرفه‌ای تربیت کنیم؛ چون تربیت این افراد کار ساده‌ای نیست. دنبال این هستیم که افراد دو ماه یا سه ماه بیایند و لذت این کار را حس کنند و حس خوش‌زیبایی‌شناسی با این در طول مدت عمرشان باشد.

**نیرومند** شکی در صحبت شما نیست ولی کسی می‌تواند این کار را انجام دهد که به این کار تسلط داشته باشد. مثل نقاشی مدرن است که می‌گوییم هر وقت کلاسیک را آموختید، وارد مدرن شوید. اگر همکار تخصصی باشد و کتاب تخصصی باشد، می‌توان تربیت هنری را انجام داد. من همیشه در کلاس ضمن خدمت به همکاران می‌گویم لازم نیست هنرمند پرورش دهید؛ اگر هوش‌های نه‌گانه

بچه‌ها پرورش یابد و حواس پنج‌گانه‌شان قدرت بگیرد، برای ما کافی است. مسلماً دانش‌آموزی که امروز مداد رنگی را درست به دست بگیرد یا قیچی را به‌درستی در کاردستی به دست بگیرد، فردا اگر جراح شود تیغ جراحی را هم درست دست می‌گیرد یا اگر مهندس شود، لیزر را به‌درستی در دست می‌گیرد. هدف آموزش در دوره متوسطه اول بیشتر همین است. در کنار آن این چاشنی را داریم که هنرمند هم پرورش یابد و بچه‌ها به میراث فرهنگی خودمان علاقه‌مند شوند. خیلی از مشکلات ما با درس هنر حل می‌شود ولی متأسفانه به این درس کم‌محتبی می‌شود. بحث دانش‌آموزان هم چهارمین آسیب است که حدوداً سه میلیون نفر در این دوره درس می‌خوانند. این تعداد از قومیت‌ها و خانواده‌های مختلف با سطح فرهنگی و معیشتی مختلف‌اند. مشکلی که داریم این است که بخش زیادی از دانش‌آموزان مشکل معیشتی دارند و لوازم هنر را نمی‌توانند تهیه کنند. تهیه کردن وسایل برای برخی از خانواده‌ها واقعاً مشکل است. بخشی از این‌ها هم دچار مشکلات فرهنگی خاصی هستند. تک‌والد و اعتیاد و ... که همه در درس ما تأثیر دارد. بخشی هم مشکل کنکور است که آقای افشاری به آن اشاره کردند. جامعه ما به سمت تست‌زنی رفته و از دوره ابتدایی بچه‌ها را به کلاس تست می‌فرستند. در صورتی که در آموزش‌وپرورش کشورهای مختلف خوانده‌ایم و در دانشگاه‌ها مشاهده کرده‌ایم که درس هنر درس اصلی در دوره ابتدایی است؛ یعنی دانش‌آموز مجسمه‌سازی می‌کند و موسیقی کار می‌کند. یکی از اختلالات درس هنر در دوره متوسطه اول این است که زیرساخت آن در ابتدایی وجود ندارد. دانش‌آموزان می‌گویند در ابتدایی در درس هنر نقاشی می‌کشیده‌اند. حتی موضوع به این‌ها نمی‌دهند. تقریباً با دو تا سه هزار معلم ابتدایی کلاس ضمن خدمت داشتیم. این‌ها برای این به کلاس می‌آمدند که حضور بخورند و امتیاز ساعت ضمن خدمت را بگیرند. وقتی این‌ها را کنار هم می‌چینیم، سرخورده می‌شویم. من ده سال در مدارس خاص، اعم از تیزهوشان و نمونه، تدریس کردم و به تدریج مجبور شدم به حاشیه بیایم. اگر این معضلات از بالا مورد توجه قرار گیرد، موضع بهتر خواهد شد.

**نیرومند** کارگاه تخصصی هم یک محمل

مهم تربیتی است. بار دومی است که این را فریاد می‌زنیم. فرض این است که ما سخن‌ها را گفته‌ایم ولی چون شنیده نشده است باز باید گفت.

**✳️ هادوی** معصومه‌السادات هادوی. سرگروه ناحیه ۳ مشهد هستم و ۱۸ سال سابقه کار دارم. صحبت‌ها کامل بیان شد؛ تنها چیزی که من می‌توانم بیان کنم این است که هیچ‌کدام از مؤلفان کتاب هنر دبیر نبوده‌اند. در جلسه‌ای که در تهران برگزار شد و روی کتاب صحبت کردند، هیچ‌کدام از مؤلفان سرفصل‌های مختلف کتاب، با بچه‌های راهنمایی در ارتباط نبودند و از دغدغه‌های بچه‌ها و همکاران این دوره تحصیلی اطلاع نداشتند. با توجه به این امر، مطالبی که نوشته شده در بیشتر فصل‌ها سنگین است. آموزشی هم که داده شد، در برخی از کلاس‌ها برای ما لذت‌بخش نبود. این در حالی برای ما لذت‌بخش نبود که قرار بود ما از این افراد یاد بگیریم و آموخته‌هایمان به دانش‌آموزان انتقال دهیم.

**✳️ چیزی که تولید کرده‌اند چطور است؟**

**✳️ هادوی** از این لحاظ که کتاب عوض شد خوب است ولی اینکه بعضی از بخش‌ها ستاره‌دار شده و بخش‌های اختیاری وجود دارد، خوب نیست. درست است که هر دبیری نسبت به تخصصی که در هر زمینه دارد کار بیشتری در آن زمینه انجام می‌دهد ولی به نظر من همه زمینه‌ها برای بچه‌ها لازم است.

**✳️ شاید مؤلفان هم وقوف داشته‌اند که وقتی ۱۸ هنر وارد کتاب شده است، نیروی انسانی هم وجود ندارد.**

**✳️ هادوی** من می‌گویم این بخش‌ها برای بچه‌ها لازم است و نیاز نیست خیلی تخصصی انجام شود. بچه‌ها باید با برخی مفاهیم به صورت ابتدایی آشنا شوند.

**✳️ ربانی** شخصاً فکر می‌کنم که رویکرد کتاب که رویکرد خوبی هم هست، هنرپرور کردن و هنردوست کردن دانش‌آموزان است. به دانش‌آموزان این اندازه بیاموزیم که اگر در جایی آثار باستانی دیدند، روی آن‌ها یادگاری ننویسند. من به عنوان معلم فقط باید بتوانم در این سه سال به

دانش‌آموزان کلبیتی از هنرها را نشان دهیم، شاید یکی از دانش‌آموزان دوست داشته باشد عکاس شود و الآن امکانات را نداشته باشد.

**✳️ این به صورت ودیعه در ذهن او باقی می‌ماند. دنبال این نباشیم که نتیجه‌آنی بگیریم.**

**✳️ ربانی** تلاش می‌کنیم به سیستم گذشته برویم و دانش‌آموزان خود را خوشنویس کنیم. دانش‌آموزان خود را عکاس کنیم. این واقعاً نمی‌شود و دانش‌آموزان و ما می‌شکنیم. یکی باید معلم و دیگری مهندس و دیگری هنرمند در رشته خاصی شود. بیشترین معضلی که همکاران دارند، این است که دوست دارند شاگردانشان هنرمند شوند. اگر به دانش‌آموزان کلید هنر را بدهیم و بگوییم این اتاق زیبا به نام هنر است، مطمئناً روزی از این کلید استفاده خواهند کرد.

**✳️ خانم هادوی، لطفاً قدری از تجارب خود در کلاس بگویید.**

**✳️ هادوی** من هم در روستا و هم در مدارس خاص تدریس کرده‌ام. ما به نسبت اینکه بچه‌ها کجا هستند، برخوردارند یا خیر و در چه سطح فرهنگی هستند، کلاس را شروع کرده و کار کرده‌ایم. مثلاً در روستا که بچه‌ها از نظر مالی ضعیف بودند، از چوب درخت زغال چوب درست کردند و با آن طراحی حیوانات اهلی را انجام دادیم. این کار به نمایشگاه خوبی هم تبدیل شد. سال اول تدریس بود و نمایشگاهی در یکی از روستاهای سبزوار برپا کردیم. خاطره خوب این عملکرد باعث شد که مرا با یک سال سابقه کار، به مشهد منتقل کردند. در مدارس تیزهوشان که عموماً بچه‌ها برای دکتر و مهندس شدن آماده می‌شوند، هنر خیلی مغفول است و از سوی کادر مدرسه هم فشار به سمت این رشته‌هاست. در آنجا که می‌دیدم علاقه بچه‌ها به زمینه علمی است، شخصیت‌های علمی مطرح دنیا را بچه‌ها انتخاب می‌کردند و چهره‌هایشان را آنالیز می‌کردیم. این برای بچه‌ها جذاب‌تر بود.

**✳️ اسکندری** عضو گروه هنر ناحیه پنج مشهد. گله و شکایت نمی‌کنم که چقدر نیروی تخصصی کم داریم؛ چون همکاران گفتند و حرف‌ها زده شد.



هادوی: مثلاً در روستا که بچه‌ها از نظر مالی ضعیف بودند، از چوب درخت زغال چوب درست کردند و با آن طراحی حیوانات اهلی را انجام دادیم. این کار به نمایشگاه خوبی هم تبدیل شد

شده بود. برای همه هم قابل استفاده بود.

**❁** اگر خاطره خوشی در تدریس دارید بفرمایید. آیا فرصت شده است از سرمایه‌های سنتی ویژه خراسان استفاده کنید؟

**❁ اسکندری** در مدرسه‌ای که امسال هستم، از روستاهای مختلف دانش‌آموز داریم. از این دانش‌آموزان در طراحی استفاده می‌کنیم. همچنین، از بچه‌ها می‌خواهم از جایی که در آن هستند، تصویری طراحی کنند تا محیط زندگی خود را به بچه‌ها بشناسانند و توضیح دهند. بازارچه هنری در سطح ناحیه هفته پیش برگزار شد. در آنجا خانمی نزد من آمد و گفت من ۱۵ سال پیش شاگرد شما بودم. صحبت کردیم و فهمیدم تحصیلات خود را در مهندسی مکانیک ادامه داده و ازدواج کرده و راهی خارج از کشور است. وقتی دیدم این اندازه موفق شده است، خیلی خوشحال شدم. از کسانی بود که همیشه کارهایی را که از بچه‌ها می‌خواستیم، اول از همه انجام می‌داد. بسیار فعال بود.

**❁ مرشدی** دبیر هنر تبادل‌کن هستم. از ابتدا کارم را از همین ناحیه محروم شروع کرده‌ام و هنوز هم همین‌جا خدمت می‌کنم. قسمت‌های زیادی از این ناحیه الآن جزء مشهد است. دیدگاه من هم مانند همکاران است. همه معلمان هنر باید هنرمند باشند. هم هنر را آموزش دهند و هم هنرمند باشند. بزرگ‌ترین حسنی که کتاب‌های جدید دارد این است که قبلاً من به‌عنوان معلم هنر باید با همه می‌جنگیدم تا چیزهایی را که لازم است سرکلاس تدریس کنم. الآن همان چیزها را تدریس می‌کنم و اگر به من بگویند چرا این‌ها را تدریس می‌کنید، می‌گویم در کتاب هست. این کار مرا راحت کرده است. من همانند همکاران که هرکدام در یکی دو شاخه هنری به معنای واقعی هنرمندند، نیستم ولی افتخارم این است که معلم هنر هستم. چیزی بیشتر از این ندارم. در زمینه هنر که تدریس می‌کنم، به چند جهت نگاه می‌کنم؛ یکی اینکه به جامعه روز توجه دارم و دغدغه‌های روز جامعه را می‌گویم. مثلاً وقتی بحث تبلیغات را در گرافیک می‌گویم یا مثلاً موسیقی را که کار می‌کنم موضوع را به حوزه موسیقی‌پژوهی می‌برم و بچه‌ها کارهای انصافاً خوبی انجام دادند. با توجه به تهاجم‌های فرهنگی



اگر همکاری چه تخصصی و چه غیرتخصصی هنر تدریس می‌کند، زمانی می‌تواند موفق باشد که آن را به‌صورت کاربردی درآورد. مثلاً قبل از عید که برای خرید مانتو رفته بودم، دیدم همه مانتوهای امسال دوخت سنتی دارند و قیمت‌هایشان از ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان است. دوخت‌های سنتی را که با شاگردانم کار می‌کردم، دیدم. امسال در مدرسه‌ای شبانه‌روزی در ناحیه پنج تدریس دارم که شاگردان بی‌سرپرست یا بدسرپرست‌اند و وضع مالی بدی دارند. از آن‌ها خواستم مانتوهای ارزان‌قیمتی را که تهیه کرده‌اند بیاورند. آن مانتوها را با این دوخت‌های سنتی کار کردیم و مدل امسال شدند. یکی از بچه‌ها می‌گفت من سه شال هرکدام به قیمت ده هزار تومان خریداری کردم. روی آن‌ها کار کردم و هرکدام را پانزده هزار تومان فروختم. او با آنچه در درس هنر آموخت، برای خودش ایجاد درآمد کرده بود.

**❁** بر خورد بچه‌های بدسرپرست یا بی‌سرپرست در مقایسه با بچه‌های دیگر با هنر چطور است؟

**❁ اسکندری** به خاطر مشکلات خانوادگی که دارند تهیه ابزار برایشان سخت است، فکر می‌کنم به همین دلیل خود را با هنر بیگانه می‌دانند. من با این‌ها خیلی کنار می‌آیم. یکی از کارهایی که همکاران می‌توانند انجام دهند، کار روی مس است. به بچه‌ها گفتم روی آلومینیم کار کنند چون ارزان‌تر است. هر قطعه مس حدود دو هزار تومان هزینه داشت که آن‌ها همین را هم نداشتند. یکی از بچه‌ها تکه‌ای آلومینیم آورد و برای کل کلاس برش داد. جمعیت کلاس حدود ۱۵ نفر بود. کار بسیار زیبایی

اسکندری: به خاطر مشکلات خانوادگی که دارند تهیه ابزار برایشان سخت است، فکر می‌کنم به همین دلیل خود را با هنر بیگانه می‌دانند

من به عنوان معلم هم درس خود را می‌دهم و هم فضاهایی را برای بچه‌ها باز می‌کنم که اگر امروز نباشد پس زمینه ذهنی را برای این‌ها باز می‌کنم که روزی حرف‌های من دست آن‌ها را بگیرد. من تصویرسازی، نمایش، خوشنویسی، صنایع‌دستی، عکاسی و ... تدریس کرده‌ام. همانند آقای نیرومند عکاس حرفه‌ای نیستم اما به اندازه خودم به عنوان یک معلم می‌دانم که مثلاً عناصر بصری در یک عکس مؤثرند و سعی می‌کنم این‌ها را تدریس کنم تا وقتی بچه‌ها پشت دوربینی قرار می‌گیرند، بدانند چه چیزهایی را باید در محوطه دید خود قرار دهند. من این‌گونه به کتابم نگاه کرده‌ام.

**✳️ بحث ما این است که اگر دبیر هنر در یک رشته تخصصی باشد موفق‌تر است یا معلم هنری که از هر دری سخنی می‌گوید؟**

**✳️ مرشدی** فکر می‌کنم دبیر هنر درباره رشته‌هایی که در کتاب هنر بیان شده است باید اطلاعات کلی داشته باشد. من سعی می‌کنم دانش‌آموزان را به شکلی راهنمایی کنم که به ارزیابی صحیح توانمندی‌های آن‌ها کمک کند. همیشه به انتهای سال که می‌رسم، والدین دانش‌آموزان را می‌خواهم و به آن‌ها در همان زمینه‌ای که فرزندانشان استعداد دارند، مشاوره می‌دهم. هیچ‌گاه بچه‌های خوبم را به هنرستان نفرستاده‌ام. آن‌ها را به رشته‌های ریاضی و تجربی می‌فرستم و در عین حال، در حد توان به پدر و مادر دستور کار می‌دهم تا آن‌ها نزد بهترین‌های رشته هنری مورد علاقه‌شان آموزش ببینند.

**✳️ کشاورز** خیلی از همکاران زحمت می‌کشند و دیدگاه و علاقه بچه‌ها را درباره رشته‌های هنری بالا می‌برند اما در متوسطه دوم که بچه‌ها علاقه‌مند می‌شوند و می‌خواهند ادامه دهند، متأسفانه در فنی و حرفه‌ای رشته‌ای نداریم که پاسخگوی این دانش‌آموزان باشد. من از روزی که مدرس این درس شدم، به مسئولان اداره این را گوشزد کردم که در آینده، دانش‌آموزانی خواهید داشت که دوست دارند به رشته گره چینی و کاشی معرق بروند اما چنین هنرستانی وجود ندارد. نه تنها شهر ما در تربت حیدریه بلکه در خیلی از شهرستان‌ها دانش‌آموزانی که از

نظر درسی در سطح پایینی هستند، به هنرستان‌ها فرستاده می‌شوند. در برخی از شهرستان‌ها همانند سبزوار و نیشابور که تخصصی‌تر برخورد کرده‌اند، بچه‌های بهتری به هنرستان‌ها می‌روند. متأسفانه در شهرستان‌ها این بداقبالی را به رشته‌های هنر داریم.

**✳️ نیرومند** خاطره‌ای به یادم آمد. روزی تلفن زنگ زد و کسی که خود را مدیر گروه گرافیک و تصویرسازی دانشگاه معرفی می‌کرد، از من درخواست همکاری نمود. گفتم برای من صرفه اقتصادی ندارد که حق‌التدریس دانشگاه باشم. این مدیر گروه طوری درخواست می‌کرد که من تعجب کردم. گفت که سال‌ها قبل دانش‌آموز من بوده و اکنون فوق‌لیسانس گرافیک است. من به واسطه درخواست‌های او چندساعتی در دانشگاه تدریس گرفتم. چون قدری با هنرهای مدرن آشنایی داشتم، در روستاها بچه‌ها را با توجه به تفکر خلاق به زمینه‌های هنرهای همانند لند آرت کشاندم. از مدرسه بیرون می‌زنیم و سنگ‌ها و برگ‌های درختان را دور هم می‌چینیم. چون منطقه قوچان برف‌خیز است، یکی دو ماه قبل از اینکه برف شروع شود، کفش‌هایی شبیه به پای حیوانات درست می‌کنیم و با آن‌ها روی برف راه می‌رویم. کارهایی هم در حوزه هنر سرزمینی انجام می‌دهیم. با شاخه و برگ درختان و سنگ کار می‌کنیم و برخی مواقع نمود بیرونی هم داشته است. مثلاً سنگ‌ریزه‌ها را به صورت مارپیچ و حلزونی دور هم چیدیم و بعدها بچه‌ها می‌گفتند حیاط خانه را که سیمان کردیم سنگ‌ریزه‌ها را در سیمان گذاشتیم و نقش زیبایی در حیاط خانه ایجاد شد. برای همین، تأکید دارم کتاب هنر دانش‌آموز شمال تهران با دانش‌آموز فلان روستای تربت یا اهواز قدری باید متفاوت باشد. مقداری باید به هنرهای ویژه روستاها پردازیم.

**✳️** بخش هنرهای استان از بخش‌هایی است که در دستور کار تألیف قرار گرفته است. شما صحبت آخر را بفرمایید.  
**✳️ نیرومند** غیر از هنر که تاج سر آفرینش است/ بنیاد هیچ منزلتی جاودانه نیست.

**✳️** از همه همکاران گرامی برای حضور صمیمانه در این میزگرد سپاسگزارم.

کشاورز: خیلی از همکاران زحمت می‌کشند و دیدگاه و علاقه بچه‌ها را درباره رشته‌های هنری بالا می‌برند اما در متوسطه دوم که بچه‌ها علاقه‌مند می‌شوند و می‌خواهند ادامه دهند، متأسفانه در فنی و حرفه‌ای رشته‌ای نداریم که پاسخگوی این دانش‌آموزان باشد